

جایگاه صدور اسلحه در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوران پس از یلتسین

امین پرتو

دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

برای کشورهایی که توانایی تولید و صدور اسلحه را دارند، بهره جستن از این توانایی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد در سیاست خارجی همواره مورد توجه بوده است. روسیه از دیرباز یکی از مهم‌ترین قطب‌های تولید و صادرات اسلحه در جهان بوده است. دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی روسیه چه در دوران شوروی و چه در زمان حاضر، در صدد بهره جستن از این مزیت در جهت پیشبرد اهداف سیاست خارجی روسیه بوده‌اند. هر چند پس از فروپاشی شوروی عنصر مزیت اقتصادی به مهم‌ترین عامل تعیین کننده در استراتژی صدور اسلحه از سوی روسیه بدل شده است اما همچنان سیاست خارجی روسیه می‌کوشد از این برگ برنده برای امتیازگیری از غرب یا رقبای دیگر با تهدید فروش تسلیحات پیشرفته، حمایت از متحدان خود یا تاثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی و امنیتی استفاده کند.

کلید واژه‌ها

صادرات اسلحه، سیاست خارجی، ولادیمیر پوتین، موازنه قدرت بین‌المللی، دیپلماسی.

مقدمه

صادرات اسلحه به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی

دولت‌هایی که قادر به تولید سلاح به ویژه سلاح‌های متنوع و پیشرفته و صادر کردن آن بوده‌اند همواره کوشیده‌اند علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، از صادر کردن اسلحه به عنوان یکی از ابزارهای موثر سیاست خارجی خود استفاده کنند. از این طریق دولت‌ها می‌توانند نفوذ و اثرگذاری خود بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی را نشان دهند؛ دست به یارگیری از میان بازیگران بین‌المللی دولتی و غیردولتی بزنند و دولت‌های دیگر را مورد تشویق یا تنبیه قرار دهند؛ اطمینان و پشتیبانی خود از متحدانشان را نشان دهند؛ نظام‌های موازنه قدرت را در سطوح مختلف دچار ثبات یا بی‌ثباتی کنند و یا اینکه حمایت یا عدم پشتیبانی خود را از پاره‌ای ترتیبات بین‌المللی یا منطقه‌ای آشکار سازند. برای هر یک از این موارد می‌توان مثال‌هایی روشن و گویا از تاریخ روابط بین‌الملل ارائه کرد.

ایالات متحده آمریکا با صدور مجوز صادرات اسلحه پشتیبانی خود را از حکومت‌های دوستی مانند حکومت شاه در ایران نشان می‌داد. زمانی که کارتر روی کار آمد زمزمه محدودیت صدور سلاح به ایران به معنای کاهش پشتیبانی از رژیم ایران تعبیر شد. مثال دیگر اقدام روسای جمهور آمریکا در صدور سلاح به اسرائیل است. جان اف کندی برای تشویق اسرائیل به رها کردن برنامه تولید سلاح هسته‌ای صدور موشک‌های ضد هوایی «هاوک» به اسرائیل را پذیرفت. هنگامی که مسلح شدن گسترده کشورهای عربی خطر برهم خوردن توازن قدرت در خاورمیانه را پدید آورد آمریکا اسرائیل را به صورت گسترده‌ای مسلح کرد (Ben-zvi, 2005: 1-3).

فروش سلاح به حکومت مراکش برای مقابله با شورشیان پولیساریو در صحرای غربی یا سیاست فروش سلاح‌های پیشرفته به اعراب در خاورمیانه در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و دهه حاضر برای مقابله با تهدیدات ایران و عراق نمونه‌هایی دیگر از این کاربرد است. به طور کلی هر دولتی که به یکی از قدرت‌های بزرگ نزدیک می‌شود یکی از عمده‌ترین پادش‌هایی که دریافت می‌کند مجوز دریافت سلاح است. در مقابل یکی از اولین مجازات‌ها منع فروش و صدور سلاح به آن کشور است. وقتی پاکستان بمب اتمی خویش را آزمایش کرد صدور سلاح از سوی آمریکا به این کشور قطع شد. هنگامی که اسلام‌آباد در مبارزه با تروریسم همکاری کرد اولین پادش اعطایی به آن صدور مجوزهای فروش سلاح به آن کشور بود. شارل دوگل بنیان سیاست خارجی مستقل از غرب و شرق فرانسه را توان پاریس در صدور همه‌گونه تسلیحات پیشرفته قرار داده بود (Crossbie, 1974: 1-2). هنگامی که دولت آپارتاید آفریقای جنوبی تحت فشارهای بین‌المللی از سوی دولت‌های سوسیالیستی و جهان سومی و سازمان‌های بین‌المللی به سبب نژادپرستی قرار داشت تداوم فروش سلاح از سوی بریتانیا و فرانسه به معنای حمایت از یک متحد و نشانه‌ای از ابراز اطمینان به آن بود. پس می‌توان نتیجه گرفت یکی از مهم‌ترین ابزارهای تشویق‌کننده یا تنبیه‌کننده در سیاست خارجی برای قدرت‌های بزرگ همین بهره‌جستن از امکان صدور تسلیحات است (کیسینجر، ۱۳۸۳ «ج ۲»: ۲۵۴).

میزان و ضرب اثرگذاری دولت‌ها در سیاست خارجی هم به همین شیوه قابل تشخیص است. دولت‌هایی که سلاح‌های متنوع‌تر، موثرتر و پیشرفته‌تر صادر کنند ضربه نفوذ و تاثیرگذاری بیشتری در معادلات بین‌المللی دارند. آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، برزیل و ترکیه هر یک سلاح صادر می‌کنند. آمریکا، روسیه و فرانسه می‌توانند همه‌گونه تسلیحات صادر کنند؛ از هواپیمای جنگنده و هلی‌کوپتر و موشک ضد هوایی تا تانک، زیردریایی و کشتی جنگی؛ توان صادرات اسلحه آلمان، برزیل و ترکیه محدودتر است. آنها حداکثر تانک، نفربر زرهی، توپخانه یا هواپیمای سبک و آموزشی صادر می‌کنند. به همین سبب نمی‌توانند اگر متحدی داشته باشند آن را مورد پشتیبانی کامل و تمام عیار نظامی (هم‌چون آمریکا، روسیه و فرانسه) قرار دهند (سلیمانی‌امیری، ۱۳۹۱: ۳-۴).

۱. نقش صادرات اسلحه در سیاست خارجی روسیه از منظر تاریخی

روسیه از دیرباز توانایی قابل توجهی در تولید اسلحه داشته است. با این حال صدور اسلحه در سراسر دوران اتحاد شوروی تابع محض الزامات ایدئولوژیک و سیاسی بود. نخستین جلوه از این کاربرد سیاست صدور سلاح در سیاست خارجی شوروی به حمایت از جناح‌های چپ‌گرای صهیونیستی یعنی سازمان هاگان مربوط می‌شد که استالین فرمان داد تا تسلیحات از طریق چک و اسلواکی به آنها انتقال یابد. با این خیال خام که سوسیالیست‌های صهیونیست با بیرون راندن استعمار بریتانیا از فلسطین نظر به ایدئولوژی چپ‌گرا و پیشینه روسی اکثریت‌شان دوستان و متحدانی مورد اعتماد و قدردان در خاورمیانه برای مسکو خواهند بود (پرتو، الف ۱۳۹۲).

مورد دوم به کوشش اسرائیل برای کسب نفوذ در میان اعراب از طریق صدور اسلحه به کشورهای عربی بازمی‌گشت. اسرائیل پس از نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر اسرائیل به غرب از یک سو و روی کار آمدن حکومت‌های ناسیونالیست و رادیکال عرب در مصر، سوریه و عراق برای جلب این حکومت‌ها و نزدیک‌تر ساختن آنان به خود سیاست صدور سلاح به این کشورها را در پیش گرفت. رویکرد مشابه در رابطه با دولت‌های تازه استقلال یافته از بند استعمار در آفریقا و آسیا هم در پیش گرفته شد. هر کشوری که از سوی غرب و آمریکا مورد تهدید قرار می‌گرفت تسلیحات روسی و مستشاران شوروی به آنجا روانه می‌شدند. البته این عرضه سلاح بیش از آنکه صادرات اسلحه باشد در قالب اعطای کمک بود. با این وجود در بسیاری موارد هم جنبه اقتصادی خود را حفظ می‌کرد و اعطای کمک صورت اعطای تخفیف یا مبادله پایایی داشت (گروس اشتاین، ۱۳۸۶: ۱۱۲-۱۱۳).

تشویق یک دولت دوست از طریق مسلح کردن به سلاح‌های پیشرفته و کوشش برای حفظ ثبات موازنه نظامی در یک منطقه و مهار دشمنان و رقبا از طریق صدور اسلحه بخش همیشگی سیاست خارجی شوروی بود. شوروی برای حفظ قدرت کره شمالی در برابر کره جنوبی و ژاپن، پیونگ یانگ را به تجهیزات روز مجهز می‌کرد؛ در پی اختلاف با چین صدور سلاح به پکن را متوقف کرد و برای ممانعت از دست‌اندازی چین به هندوچین، ویتنام را به تجهیزات نظامی پیشرفته‌تر تسلیح کرد. برای تقویت عراق در برابر ایران در دهه ۱۹۷۰ به بغداد سلاح می‌فروخت. اما وقتی عراق با حمله به ایران در ۱۹۸۰ حرکت از نظر مسکو اشتباهی انجام داد؛ بلافاصله صدور سلاح به عراق را متوقف کرد. اما دوباره برای مهار ایران از ۱۹۸۲ به عراق اسلحه صادر کرد (تیمرن، ۱۳۷۳: ۲۱۸-۲۱۹). برای غرب صادرات اسلحه از سوی مسکو همه‌جا به‌عنوان نمادهای ناامنی شناخته می‌شد. از تفنگ کلاشینکف و آرپی جی هفت تا موشک‌های ضد هوایی دوش پرتاب به سرچشمه‌های اصلی ناامنی در دوران جنگ سرد بود.

۲. وضعیت صادرات اسلحه پس از فروپاشی شوروی و سیاست خارجی جدید روسیه

با فروپاشی اتحاد شوروی دیگر ایدئولوژی راهنمای عمل سیاست خارجی روسیه نبود. آنچه اکنون تنها اهمیت را داشت فقط و فقط منافع ملی بود (Selezneva, 2003: 10-13) و روسیه در سال‌های اولیه پس از فروپاشی شوروی به شدت دچار بحران اقتصادی بود. باز شدن درهای کشور به روی کالاهای خارجی و سیاست آزادسازی مبادلات تجاری اقتصاد روسیه را از حالت خودبستگی اقتصادی سوسیالیستی دوران شوروی خارج کرد. نیروهای مسلح که در دوران شوروی هزینه سنگینی بر بودجه عمومی تحمیل می‌کردند حالا باید به‌صورتی اساسی دچار تحول می‌شدند. یک بعد این تحول کوچک شدن حجم نیروهای مسلح و لغو بسیاری از برنامه‌های بلند پروازانه بود. اما بعد مهم‌تر این تحول تغییر در مدیریت تولید تسلیحات در روسیه بود. اولویت امنیتی فوری برای کشور اقتصاد و کسب درآمدهای

صادراتی بود؛ صنایع نظامی روسیه که پیشرفته‌ترین بخش صنعت ملی بودند باید نقش پیشرو را در این میان ایفا می‌کردند. از این رو صدور سلاح به مشتریان بین‌المللی، البته صرف نظر از ماهیت ایدئولوژیک و سیاسی‌شان، مهم‌ترین وظیفه دستگاه نظامی روسیه شد (Oldberg, 2005: 44-46). به روشنی می‌توان تشخیص داد که تنها معیار روسیه در دوران حکومت بوریس یلتسین در صدور اسلحه به کشورهای دیگر مسئله سود اقتصادی ناشی از آن و کسب درآمدهای صادراتی بوده است. در حالی که نیروهای مسلح روسیه خود به شدت از فرسودگی تجهیزات نظامی و موجود نبودن تسلیحات پیشرفته در تنگنا و وضعیتی نامطلوب قرار داشتند (نمونه آن در جنگ اول چچن ۱۹۹۴-۱۹۹۵) پیشرفته‌ترین تسلیحات ساخت روسیه به کشورهای دیگر صادر می‌گردید.

چند مثال جالب توجه می‌تواند مسئله را بهتر روشن کند. در حالی ناوگان جنگنده‌های روسیه دچار فرسودگی بود و نیاز به جایگزینی هواگردهایش داشت دولت ترجیح داد تا جنگنده‌های جدیدی مانند سوخو-۳۰های را به کشورهای دیگر صادر کند. در حالی که از تولید سوخو-۳۰ چند سال گذشته بود و نیروی هوایی چین ۱۴۰ فروند و نیروی هوایی هند ۱۶۰ فروند سوخو-۳۰ در اختیار داشتند؛ نیروی هوایی روسیه تعداد محدود تنها ۳۰ فروند را در اختیار داشت. مورد دیگر به نیروهای زرهی روسیه مربوط می‌شود. در طول جنگ دوم چچن ۱۹۹۹-۲۰۰۰ در حالی که نیروهای زرهی روسیه خواهان تجهیز خود به تانک‌های جدید تی-۷۲ و نفربرهای بی‌ام‌پی-۳ بودند دولت به جای مجهز نمودن ارتش و ترتیب اثر دادن به خواسته‌های آن تانک‌ها و نفربرها را به هند، کویت، امارات و کشورهای دیگر صادر می‌کرد (Geibel, 2001: 25-26).

کسب سود و درآمد ناشی از صادرات اسلحه چنان برای روسیه عصر یلتسین اهمیت داشت که به سرعت دشمنی‌های عصر جنگ سرد حتی آنها که جنبه ایدئولوژیک نداشت و به درگیری‌های ارضی مربوط می‌شد را فراموش کند. روسیه حتی از افشای تکنولوژی‌های تسلیحاتی‌اش واهمه نداشت. روسیه به متحدان غرب هم به راحتی سلاح می‌فروخت و ترسی از این بابت نداشت چون مهم تنها و تنها درآمد صادراتی از فروش سلاح بود. کره جنوبی، ترکیه، یونان، امارات متحده عربی و پاکستان دشمنان سابق بودند که حالا مشتریان سلاح‌های روسی شده بودند. از میان دشمنان قدیمی، چین بدل به بزرگترین مشتری تسلیحات روسی پس از فروپاشی شوروی شده بود. جمهوری اسلامی ایران هم که روابط خصمانه‌ای با مسکو داشت یک مشتری جدی و مشتاق بود. تنها عاملی که سبب می‌شد روسیه یلتسین صادرات سلاح را محدود کند فشارهای غرب بود. روسیه به سبب فشارهای آمریکا در ۱۹۹۶ صدور سلاح به ایران را به تعلیق درآورد. روسیه یلتسین چندان میلی به بازی با برگ صدور اسلحه در سیاست خارجی خود نداشت. یلتسین روسیه را یک کشور معمولی که به دنبال تجارت بود می‌دید نه یک قدرت بزرگ که باید از توان خود در صدور اسلحه به عنوان یک ابزار در سیاست بین‌الملل بهره جویید.

۳. سیاست خارجی پوتین و جایگاه صدور اسلحه در آن

روی کار آمدن ولادیمیر پوتین را باید آغاز فصل جدیدی در سیاست خارجی روسیه دانست. ویژگی این سیاست خارجی جدید را باید کوشش برای احیای جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل و مقاومت مسکو در برابر سیاست‌های ایالات متحده در سطح جهان دانست. به طوری که دوران پوتین به مثابه دورانی تفسیر شده که در آن روسیه می‌کوشد سیاست‌های دورانی که یک قدرت بزرگ بود را احیا کند (Mankoff, 2009: 293-294). روسیه پوتین می‌کوشد تا از نقش کشوری پیرو ترتیبات نظام جهانی خارج شود؛ ابتکار عمل سیاست خارجی خود را خود در دست داشته باشد و بدون کسب امتیازی مهم، امتیازی به هیچ قدرتی ندهد. مقاومت در برابر حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و تهدید به توسل به حق وتو در شورای امنیت، واکنش سرسختانه به طرح آمریکا برای ساخت سپر دفاع موشکی و

مقابله با متحدین غرب در مجاورت روسیه مانند جنگ با گرجستان (۲۰۰۸) نمونه‌هایی از این هماوردی و سیاست جدید پوتین بود (3-2:2010, Pirani).

نشانه دیگر این تحول در سیاست صادرات اسلحه روسیه زمانی رخ داد که ولادیمیر پوتین با الغای توافق روسیه با آمریکا در مورد توقف فروش سلاح به ایران و سوریه که از دید آمریکا موانع تحقق برنامه صلح خاورمیانه بودند، قراردادهای جدید فروش سلاح با دو کشور منعقد نمود. روسیه دوران پوتین به صورت آشکاری تصمیم داشت تا از فروش سلاح برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود استفاده کند. فروش اسلحه به کشوری که آمریکا با آن روابط نامطلوبی داشت نشانه‌ای از تمایل مسکو به حمایت و پشتیبانی از آن کشور بود. به علاوه آشکارا این مسئله را گواهی می‌کرد که مسکو با تقویت آن دولت قصد ایجاد موازنه در برابر واشینگتن را دارد (5-4:2006, Kassianova).

فروش گسترده سلاح به حکومت هوگو چاوز در ونزوئلا نمونه‌ای مهم در این رابطه بود. ونزوئلا که در آمریکای لاتین و حیاط خلوت سنتی آمریکا قرار داشت از دیرباز مهد روی کارآمدن حکومت‌های هوادار آمریکا بود. ارتش ونزوئلا نیز با تسلیحات آمریکایی مجهز بود و سازمان رزمی مشابه ارتش آمریکا داشت. چاوز پس از روی کار آمدن با در پیش گرفتن سیاست‌های ضد آمریکایی و شبه سوسیالیستی به شدت مغضوب واشینگتن شد. آمریکا ارتش ونزوئلا را که تجهیزات آمریکایی داشت تحریم کرد تا توان نظامی آن را از کار بیاندازد. در این میان تلاش برای کودتای هواداران آمریکا علیه چاوز در سال ۲۰۰۳ دچار شکست شد و چاوز بی‌درنگ دست به کار بازسازی نیروهای مسلح و ارتش ونزوئلا زد. شدت گرفتن تنش میان ونزوئلا و کلمبیا که متحد و مورد حمایت آمریکا بود هم در شدت گرفتن تمایل چاوز به نوسازی و تقویت ارتش ونزوئلا بی‌تأثیر نبود. چاوز در حرکتی که بی‌شابهت به انتخاب‌های سیاسی جنگ سرد نبود به روسیه پوتین روی آورد که مشتاقانه دست‌های چاوز را می‌فشرد تا با دست زدن به یک بازی ژئوپلیتیک در مرزهای آمریکا استراتژی مقابله جهانی خود با واشینگتن را شکل دهد (2:2009, Smith).

کوشش‌های آمریکا برای ممانعت از فروش سلاح از سوی روسیه به ونزوئلا ناموفق بود و روسیه به هیچ‌کدام از خواسته‌های چاوز پاسخ منفی نداد: سلاح‌هایی که از نظر آمریکا بسیار خطرناک بود هم به ونزوئلا فروخته شد: موشک‌های ضد هوایی پیشرفته اس-۳۰۰، سامانه ضد هوایی باک، موشک‌های ضد هوایی دوش پرتاب سام-۲۴، جنگنده‌های سوخو-۳۰؛ در کنار انبوه تجهیزات دیگر شامل تانک تی-۷۲، نفربرهای بی‌ام پی ۳ و بی تی آر ۸۰، هلی‌کوپترهای میل-۳۵، میل-۱۷ و میل-۲۶، موشک‌های ضدتانک، انواع راکت انداز و توپخانه سنگین. این برای روسیه یک معامله سودآور از دو زاویه و جهت بود: از طرفی میلیاردها دلار سود ناشی از این قراردادها بود (دست کم ۱۲ میلیارد دلار) و از طرف دیگر مانند اهرمی برای فشار علیه آمریکا عمل می‌کرد؛ ضمن آنکه در وقت مقتضی روسیه می‌توانست با کارت ونزوئلا از آمریکا کسب امتیاز کند (7-5:2009, Blank).

کوشش روسیه برای بهره‌گیری از کارت صادرات اسلحه برای کسب امتیاز از آمریکا و غرب را می‌توان در رابطه با سیاست خارجی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران مشاهده کرد. ایران در سال ۲۰۰۷ در قراردادی به مبلغ احتمالی ۹۰۰ میلیون دلار خرید ۶ واحد سامانه اس-۳۰۰ از مدل 1-PMU نسخه با کد ناتوی سام-20 Gargoyle را به روسیه سفارش داد. روسیه در تحویل اس-۳۰۰ به ایران دست به وقت‌کشی بسیار زد تا اینکه سرانجام به دنبال تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در منع فروش سلاح به ایران، رئیس‌جمهوری وقت روسیه، دمیتری مدودف فرمان منع تحویل اس-۳۰۰ و سایر اقلام تسلیحاتی را به ایران صادر کرد. روسیه به این شیوه هم در پس پرده تحویل اس-۳۰۰ به ایران را همچون شمشیر دم‌وکلس بر سر آمریکا و اسرائیل نگاه داشته است؛ زیرا با تحویل اس-۳۰۰ به ایران انجام

۱ - در این دوران روسیه به ایران موشک‌های ضد هوایی تورام یک، هلی‌کوپترهای میل-۱۷، موشک‌های ضد تانک کورنت، هواپیماهای سوخو-۲۵ و تجهیزات فنی نظامی برای خریدهای پیشین تهران ارائه کرد. روسیه به سوریه هم موشک‌های ضدکشتی یاخونت، سامانه‌های ضد هوایی تورام یک، باک، پانتسیر و خدمت فنی نظامی دیگر فروخت. رگ ب پرتو: ۱۳۹۱

حمله هوایی علیه تاسیسات هسته‌ای و موشکی ایران بسیار دشوار خواهد شد و از طرف دیگر با امیدوار نگاه داشتن ایران می‌کوشد تا تهران را همچنان در مدار خود نگاه دارد و مانع از نزدیک شدن احتمالی ایران به غرب شود (پرتو، ۱۳۹۲ ب).

روسیه از ابزار صدور سلاح به ایران برای کسب منافع دیگری در رابطه با کشورهای عربی خلیج فارس هم استفاده کرده است. در اواخر دهه ۱۹۸۰ و تغییر سیاست شوروی در دوران گورباچف (روابط دوستانه‌تر با غرب و خروج از افغانستان) بود که نخستین تقاضاها از سوی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای خرید سلاح از روس‌ها ارائه شد. کویت پیشگام خرید سلاح از مسکو بود: در ۱۹۸۸ پادشاهی کویت سفارش خرید ۲۴۵ فروند نفر بر زرهی بی‌ام پی-۲ و ۲۴۵۰ فروند موشک ضد تانک فاگوت برای نصب بر روی این زره پوش‌ها را ارائه نمود که ظرف دو سال تحویل گردید. به تدریج بقیه کشورهای عربی خلیج فارس نیز روی به مسکو آوردند. در ۱۹۹۲ امارات متحده عربی سفارش ۵۹۲ فروند نفربر زرهی بی‌ام پی-۳ را ارائه نمود. ۴۸ فروند راکت انداز چند منظوره گراد و ۶ سیستم راکت انداز اسمرش نیز مدتی بعد سفارش داده شده و تحویل گردید. کویت نیز در ۱۹۹۴ ۴۶ بی‌ام پی-۲ جدید و ۱۲۰ فروند بی‌ام پی-۳ را به روسیه داد. در ۱۹۹۵ نیز کویت سفارش خرید ۲۷ سیستم راکت انداز اسمرش و ۶۰ فروند سیستم ضدتانک استابر را به روسیه ارائه نمود. در سال ۱۹۹۸ نیز امارات با سفارش خرید ۵۰ فروند سامانه ضدهوایی پانتسیر به روسیه سفارش یک میلیارد دلاری تسلیحاتی به روسیه را ثبت نمود. بخش مهمی از این اقدامات کشورهای عربی برای خرید سلاح از روسیه به ترغیب روسیه برای توقف فروش سلاح به ایران باز می‌گشت. از سال ۲۰۰۵ عربستان مشتاقانه علاقه‌مندی خود به خرید سلاح از روسیه را ابراز نمود. در سال ۲۰۰۷ عربستان در اقدامی تعجب برانگیز که همچون شوکی سهمناک تمام محافل نظامی جهان را از خود متاثر نمود توافقنامه‌ای ابتدایی برای خرید ۲ میلیارد دلار سلاح از روسیه را امضا نمود. قرارداد بزرگی که شامل خرید تانک تی-۹۰، هلی‌کوپترهای ترابری میل-۱۷ و تهاجمی میل-۳۵، نفربرهای زرهی، کامیون‌های نظامی کاماز و سیستم‌های ضدهوایی اس-۴۰۰ می‌شد. عربستان به‌علاوه شروع به مذاکراتی برای خرید احتمالی هلی‌کوپترهای تهاجمی میل-۲۸ و کاموف-۵۲ و مونتاژ نسخه‌های جدید تفنگ کلاشینکوف نمود. در حالی که عربستان در خصوص تانک، هلی‌کوپتر، نفربر، سلاح ضدهوایی و سلاح انفرادی بی‌نیاز است و حتی با مشکل تطبیق سلاح‌های روسی با ارتش تماماً غربی خود روبرو خواهد بود؛ چرا باید بخواهد از روسیه چنین حجم وسیعی از سلاح را خریداری کند؟ این برنامه پیشنهادی خرید سلاح از روسیه بخشی از برنامه عربستان سعودی برای منصرف ساختن روسیه از فروش سلاح به ایران بود. این طرح عربستان در گام نخست با واکنش مثبت و موافق روسیه مواجه شد. مسکو از سویی چند برابر بیشتر از ایران سلاح فروخته بود و این اطمینان را هم از ریاض دریافت کرده بود که می‌تواند در آینده به سفارش‌های تسلیحاتی باز هم بیشتر امیدوار باشد. از سوی دیگر هم با تحویل سلاح به ایران حساسیت و کدورت آمریکا، اسرائیل و دیگر دشمنان ایران را هم بر نمی‌انگیخت. روسیه در حال آماده‌سازی مراحل بعدی برای اجرایی سازی قرارداد بود. با این حال وقوع اتفاقی همه معادلات را برهم زد تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت که فروش هرگونه سلاح سنگین و فن‌آوری نظامی به ایران را ممنوع می‌کرد به مانعی مهم در فروش سلاح روسی به ایران بدل شد. در این زمان عربستان هم بی‌درنگ انصراف خود از قرارداد تسلیحاتی با روسیه را اعلام داشت (پرتو، ۱۳۹۲ ج).

بخش دیگری از روش کشورهای عرب خلیج فارس برای ممانعت از فروش سلاح از سوی روسیه به ایران خرید سلاح از روسیه برای کشورهای عربی متحد خود است. دو نمونه مهم یعنی یمن و مصر در این رابطه قابل اشاره است که دو کشور با کمک‌های مالی عربستان سعودی و امارات متحده عربی از روسیه سلاح می‌خرند تا سلاح‌هایی که باید به

تهران فروخته می‌شد از قاهره^۱ و صنعا سر در بیاورد. نمونه‌ای دیگر از بهره جستن سیاست خارجی روسیه از ابزار امکان صدور اسلحه را می‌توان در رابطه با بحران سوریه و نیز قدرت گرفتن توان نظامی چین یافت. روسیه در برابر بحران سوریه از ابتدا موضعی سرسختانه در دفاع از حکومت بشار اسد اتخاذ کرد و بارها قطعنامه‌های پیشنهادی علیه سوریه را در شورای امنیت وتو کرد. کاری که به هیچ‌رو در رابطه با ایران و پرونده هسته‌ای آن انجام نداده است. روسیه با تهدید به ارسال سلاح‌های پیشرفته به سوریه (مانند موشک‌های اس-۳۰۰) یا ارسال سلاح‌ها (مانند موشک ضدکشتی یاخونت) کوشیده است در برابر تهدیدها و اقدامات ضد حکومت سوریه از سوی اسرائیل و آمریکا اقداماتی هر چند سمبلیک و نمادین صورت دهد (Trenin, 2013: 20-21) می‌توان این مسئله را قبول کرد که تأکید مسکو در بهره جستن از تامين سلاح «دفاعی» برای رژیم سوریه به‌عنوان نشانه‌ای از مقاومت در برابر فشارهای غرب عنصری اساسی و فراتر از اقدامی سمبلیک و نمادین در سیاست خارجی روسیه است (Allison, 2013: 799). روسیه در زمان پوتین در رابطه با چین هم با احتیاط بسیاری عمل می‌کند. افزایش مداوم قدرت نظامی و اقتصادی چین موجب نگرانی روسیه را هم فراهم کرده است. چینی که بدل به قدرتی جهانی شود مورد بدبینی و ترس شدید روسیه قرار دارد (Mankoff, Op.cit): 193-194).

همین مسئله سبب شده تا روسیه برای مدتی فروش تسلیحات پیشرفته ساخت خود به چین را متوقف کند و سیاست یلتیسین در فروش سلاح به صورت نامحدود به مشتریان خوش حساب را کنار بگذارد. علی‌رغم آنکه روسیه همکاری نظامی‌اش با چین را متوقف نکرده و هنوز بخش مهمی از اقلام مورد نیاز چین را تامین می‌کند (مانند موتور هواپیماهای جت جنگی ساخت چین، فروش هلی‌کوپتر و هواپیماهای ترابری سنگین) اما به‌روشنی در واکنش به درخواست‌های چین برای فروش تسلیحات پیشرفته‌تر و جدیدی مانند سوخو-۲۵، زیردریایی‌های کلاس لادا و موشک‌های ضدکشتی سکوت و بی‌میلی خود را نشان داده و حتی تلویحاً مخالفت خود را نشان داده است. در مقابل روسیه می‌کوشد تا با تقویت و بسط روابط خود با کشورهای رقیب و موازنه‌کننده قدرت چین یعنی هند، ویتنام، اندونزی و مالزی، ضمن گسترش هرچه بیشتر فروش سلاح‌های پیشرفته به آنها فاصله توان نظامی چین با آنها را کاهش دهد (پرتو، ۱۳۹۲: ۵).

۴. نتیجه‌گیری

چنان‌که شرح دادیم توانایی روسیه در تولید طیف متنوعی از تسلیحات سبب شده است تا در کنار ایالات متحده به‌عنوان اصلی‌ترین صادرکننده تسلیحات محسوب گردد. در دوران شوروی صدور اسلحه از سوی شوروی به میزان زیادی تابع متغیرهای ایدئولوژیک و استراتژی کلان کرملین برای تقویت حکومت‌های متحد خود و دولت‌های ضد آمریکایی در سراسر جهان بود. با فروپاشی شوروی و محو آرمان‌های ایدئولوژیک، در دوران بوریس یلتسین کسب سود اقتصادی ناشی از صادرات سلاح به اصلی‌ترین هدف سیاست صدور اسلحه مسکو بدل شد. در این دوران روسیه سیاست تقابل با غرب و آمریکا را دنبال نمی‌کرد و هرگاه ایالات متحده خواستار منع فروش سلاح از سوی روسیه به کشوری می‌شد مسکو (چنانکه در مورد ایران و سوریه) کوتاه می‌آمد. با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین سیاست احیای روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ از طریق ایجاد موازنه‌ای در سطح بین‌المللی در برابر قدرت آمریکا در پیش گرفته شد. به این ترتیب روسیه کوشید تا از توان خود در تولید و صدور سلاح‌های پیشرفته به‌عنوان یک ابزار موثر در دیپلماسی

۱ - به یمن کمک‌های مالی شورای همکاری خلیج فارس یمن توانسته ده‌ها فروند هواپیمای میگ-۲۹ روسی و سیستم‌های پدافندی تورام یک تحویل بگیرد و تعداد دیگری میگ-۲۹ را هم سفارش داده است. مصر هم با کمک‌های مالی عربستان و امارات قراردادهای بزرگی برای خرید میگ-۲۹، هلی‌کوپتر و موشک ضدکشتی با روسیه امضا کرده است. رک:

Egyptian-Russian arms deal in the pipeline - IHS Jane's 360, 20 Feb 2014, at:

<http://www.janes.com/article/34446/egyptian-russian-arms-deal-in-the-pipeline>

و سیاست خارجی خود بهره جوید. ضمن آنکه کسب سود اقتصادی از طریق صدور اسلحه همچنان ادامه یافت، از این طریق ضمن پشتیبانی از دولت‌های متحد و دوست خود، روسیه می‌توانست رقبای جهانی خود را در فشار بگذارد یا آنکه از این طریق از آنها امتیازات لازم را کسب کند. نمونه‌های ونزوئلا، ایران و سوریه به روشنی این کاربرد را نشان می‌دهند. از سوی دیگر روسیه کوشیده است تا صادرات اسلحه خود را به صورتی مدیریت کند که موازنه‌های قدرت نظامی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای که در جهت منافع بلند مدت مسکو باشد رقم خود. توقف فروش تسلیحات پیشرفته به چین نیز نمایانگر این بخش از استفاده مسکو از ابزار صدور سلاح در سیاست خارجی خود است. با این وجود مسئله کیفیت سلاح‌های روسی می‌تواند همچنان در میزان اثرگذاری کاربرد ابزار صدور اسلحه در سیاست خارجی مسکو موثر باشد. بدیهی است که به هر میزان کیفیت و کارایی تسلیحات تولید شده و فروخته شده از سوی روسیه بیشتر باشد میزان اثرگذاری احتمالی مسکو در معادلات بین‌المللی بیشتر خواهد شد. تهدید به فروش تسلیحات روسی به کشوری که از دیدگاه غرب یا رقبای روسیه کشوری یاغی است زمانی می‌تواند تهدیدی فوری محسوب شود و موجب کنار آمدن یا اعطای امتیاز به مسکو شود که آن تجهیزات اثربخشی قطعی و شدیدی داشته باشند. پاره‌ای از تجهیزات نظامی روسیه مانند سیستم‌های اس-۳۰۰، زیردریایی‌های کیلو و لادا، موشک‌های ضدکشتی یاخونت و موشک‌های دوش پرتاب ضد هوایی سام-۲۴ واجد این توانایی هستند. در بخش نیروی هوایی هم نسل جدید هواپیماهای خانواده فلانکر (سوخو-۳۵) و فولکروم (میگ-۳۵) و جنگنده رادارگریز سوخو-۵۰ می‌توانند این نقش را ایفا کنند. باقی ماندن کارایی ابزار صادرات سلاح در سیاست خارجی روسیه منوط به تداوم بالا نگه داشتن کیفیت و کارآمدی سلاح‌های روسی در مقام رقابت و مقایسه با تسلیحات تولیدی کشورهای دیگر است.

منابع الف) فارسی

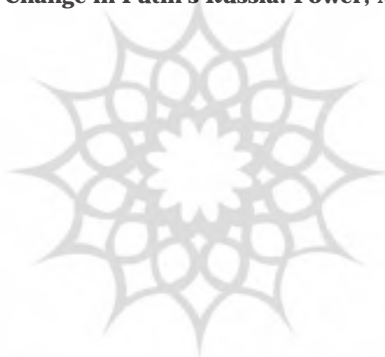
۱. پرتو، امین (۱۳۹۱)، «نقش تسلیحات روسی در سازمان دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، پایگاه ایراس؛ قابل دسترسی در: <http://iras.ir/uqemvzsfuu.html.vdcjh 8e 8>
۲. پرتو، امین (۱۳۹۲ الف)، «همکاری‌های نظامی روسیه-اسرائیل و موانع فرارو»، پایگاه ایراس؛ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/rhbw 9piuur.html.vdcbfgb 5>
۳. پرتو، امین (۱۳۹۲ ب)، «بررسی پیشنهاد جدید روسیه به ایران درباره معامله سامانه‌های اس-۳۰۰»، پایگاه ایراس؛ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/vdcamynu.html.49no615kk 4>
۴. پرتو، امین (۱۳۹۲ ج)، «نگاهی به مناسبات نظامی روسیه و کشورهای عربی خلیج فارس»، پایگاه ایراس؛ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/vdcevfAw.zh 8v Yl 9bbj.html>
۵. پرتو، امین (۱۳۹۲ د)، «نقض کپی رایت و بحران در مناسبات نظامی روسیه و چین»، پایگاه ایراس؛ قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/vdcej 8oet.uqeyazsfuu.html>
۶. سلیمانی امیری، محمد (۱۳۹۱)، «استراتژی صدور تسلیحات در سیاست خارجی فرانسه در رابطه با منازعه اعراب و اسرائیل، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات اروپا؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۷. تیمرمن، کنت (۱۳۷۳)، «سوداگری مرگ: ناگفته‌های جنگ عراق با ایران»، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
۸. کیسینجر، هنری (۱۳۸۲)، «دیپلماسی»، ترجمه فاطمه سلطانی و رضا امینی، تهران: اطلاعات.
۹. گروس اشتاین، یانیس (۱۳۸۶)، «جنگ و امنیت در خاورمیانه»، ترجمه مرتضی بحرانی در: لوئیس فاست (۱۳۸۶) روابط بین‌المللی خاورمیانه، زیر نظر احمد سلطانی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) لاتین

1. Geibel, Adam (2001), "Some Russian Tankers' Experiences In the Second Chechen War", **ARMÖR** - July-August.
2. Kassianova, Alla (2006), "Russian Weapons Sales to Iran: Why They Are Unlikely to Stop?", **PO-NARS Policy Memo**, No. 427, December.
3. Ben-zvi, Abraham (2005), **Lyndon B. Johnson and politics of arms sales to Israel: In the**

shadow of the Hawk, London: Frank Gass.

4. Blank, Stephan (2009), **Russia in Latin America: Geopolitical games in US's neighborhood**, Paris: Russia/NIS center, April.
5. Crossbie, Sylvia (1974), **A Tacit Alliance: France and Israel from Suez to the six day War**, Princeton: Princeton UNP.
6. Trenin, Dmitri (2013), **The Mythical Alliance Russia's Syria Policy**, Carnegie Endowment for International Peace, The Carnegie Moscow Center, Carnegie Paper, Feb 2013
7. Mankoff, Jeffrey (2009), **Russian Foreign Policy The Return of Great Power Politics**, New York, A Council on Foreign Relations Book ,Rowman & Littlefield Publishers, Inc.
8. Selezneva, Ludmilla (2003), "Post-Soviet Russian Foreign Policy: Between Doctrine and Pragmatism", in: **Realignments in Russian Foreign Policy**, edited by: Rick Fawn , LONDON and Portland: FRANK CASS.
9. Smith, Mark A (2009), **Russia & Latin America Competition in Washington's "Near Abroad"?**, Shrivenham: Defiance Academy of the UK ,Research & Assessment Branch, August.
10. Oldberg, Ingmar (2005), **Foreign policy priorities under Putin: a tour d'horizon**, at: **Russia as a Great Power: Dimensions of security under Putin**, Edited by Jakob Hedenskog and et al, Oxon: Routledge.
11. Allison, Roy (2013), "Russia and Syria: explaining alignment with a regime in crisis", **International Affairs**, 89: 4, 795-823.
12. Pirani, Simon (2010), **Change in Putin's Russia: Power, Money and People**, London: Pluto Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی